

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسئله وجوب اطاعت هیئت دولت بر مسلمین اینکه سؤال نمودید کد آیا اطاعت و انقیاد و امتثال اوامر امراء دولت و رؤسا ملت و رئیسان لشکر بعلماء اعلام و پیشوایان انام نیز واجب است یا نه ؟ پس در جواب این مسئله معروض میدارد که اولاً بصریح آیه شریفه **اطيعوا الله واطيعوا الرسول و اولی الامر منکم** اطاعت امراء دولت و حافظین ملت و حراست کنندگان مملکت اسلامیة بر همه مسلمین از علماء اعلام و غیر ایشان از عوام در صورت حاوی اوصاف شرعیة واجب است زیرا که مراد از اولی الامر در آیه صاحبان سلطنت اسلامیة در مقام ریاست و سیاست و حفظ و حراست مملکت است و آنچه در تفسیر این آیه مبارکه وارد شده که مراد از ایشان حضرات ائمه علیهم السلام است منافات با ظاعر آیه ندارد از جهت اینکه آن حضرات در زمان حضور و بعد از ظهور خودشان سلطنت جمیع عوالم امکان را دارند و لکن در وقت غیبت ایشان مثل این زمان ظاهر آیه عموم و شمول دارد بر حفظ کنندگان ملت اسلام از اشرا ر داخلی و خارجی پس اطاعت ایشان که حفظ مذهب و ملت و مملکت میکنند بر همه اهل اسلام واجب میشود از علماء و فضلاء و عوام و ثانیاً امراء دولت در این زمان و هیئت دولت اسلامیة در این وقت که حافظین ملت و حفظ کنندگان مملکت هستند و مقصود ایشان حفظ مذهب و حراست ملت است باذن و اجازه و تصویب علماء اعلام

و مجتهدین کرام معین و منصوب شده‌اند و با قطع نظر از آیه شریفه اذن و اجازه آقایان فقهاء عظام بریاست ایشان تصویب علماء کرام بر امیر و وزیر بودن و رئیس شدن ایشان در امورات لشگری و پیشرفت مطالب کشوری در وجوب اطاعت ایشان بر جمیع مسلمین از سایر علماء و عوام کافی است و در ترك این اطاعت انحطاط ملت و ضعف دولت و اختلال و اضمحلال اهل مملکت است و رفتن آسایش و آسودگی از مسلمین است چنانکه چند سال قبل از این بوده و ثالثاً خداوند تعالی در سوره احزاب فرموده **لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة** و تاسی و تابع شدن بآن حضرت را واجب کرده و از اهم تکالیف قرار داده و آن حضرت در غزوات و در امورات لشگری هیچ وقت حضرت سلمان و ابوذر و مقداد را رئیس لشکر نفرموده و همیشه این بزرگواران در تحت امر و حکم لشگری و سیاسی مثل عبدالله بن رواحه و زید بن حارثه و اسامة بن زید و غیر ایشان بودند و حال آنکه معلوم جمیع اهل اسلام است که سلمان و ابوذر و مقداد رضوان الله تعالی علیهم اعلم علماء اصحاب آنحضرت بودند و با وجود این در امورات لشگری و سیاسی بر امر امراء لشکر مطیع و منقاد و در نهایت اطاعت بودند و همیشه کار را بر گردان و گذار مینمودند و مخالفت و ضدیت نمیکردند و بر اوای الامر خودشان در امورات لشگری و سیاسی اطاعت میکردند و رابعاً خداوند تعالی در سوره ملائکه و مؤمن فرموده **و ما يستوي الاعمي و البصير و در انعام و رد میفرماید قل هل**

يستوى الاعمى والبصير و در سورة زمر فرموده **قل هل يستوى الذين يعلمون والذين لا يعلمون** و بمضمون این سه آیات شریفه در پنج سورة قرآن و امثال اینها که بسیار است باید عالم هر کار و داناى هر صنعت مقدم شود و واجب اطاعة باشد بر آنکسى که نمیداند و عالم نیست و بحسب عقل نیز همینطور است زیرا که عاقلان و دانایان همیشه کار را بر کاردان و بر اعلم صنعت کاران میسپارند و از جاهلان اعراض میکنند و از غیر اهل در هر کار اجتناب مینمایند و از این جهت علماء اعلام در بنای مدرسه و مسجد و خانه مطیع و منقاد معمار و نجار میشوند و در امورات عادی و بلکه در سیاسیه امثال امر نجاران و معماران میکنند و امراء ملت و هیئت دولت این وقت از يك نفر معمار و نجار کمتر نیستند در امورات لشگری و سیاسى و حفظ مملکت و حراست ملت و مذهب اسلامى و در پیشرفت امور و استقلال دولتی و کشوری و چنانکه علماء اعلام و فقهاء کرام دامت برکاتهم در بیان حلال و حرام و در ذکر احکام اسلام واجب اطاعة هستند در صورتیکه آن حکم و فتوی را از قرآن و از احادیث صحیحه حضرات ائمه امام علیهم السلام ذکر و بیان نمایند نه با رأی و ظن خودشان همچنین امراء ملت و هیئت دولت و وکلاء مملکت واجب اطاعة میباشند در انجام امور لشگری و پیشرفت اساس کشوری و در ترقی دولتی و ملتى و در امورات سیاسى و تعالی اسلامى و در انتظام امور داخلی و خارجی و در اقدام بچیزیکه باعث ترقیات اهالی و حفظ ایران و ایرانی است پس امراء

و هیئت دولت وقت که مقصود ایشان حراست مذهب و ملت است و غرض ایشان آسایش و آسودگی اهل ایران و اسلام است و همیشه خیال ایشان از دیاد قدرت و قوه و ثروت اهالی بلاد و رفع فساد از میان عباد است لازم الطاعة و واجب الطاعة میباشد چنانکه علماء وقت و فقهاء عصر در هر زمان در ذکر احکام قرآن و در نقل نمودن احادیث صحیحه واجب الانقیاد و لازم الازعان هستند در فرضی که از حکم قرآن و احادیث معتبره صاحب شرع انور علیه السلام تجاوز نکنند و از ظن خودشان نگویند بدون فرق در وجوب اطاعت هر دو طائفه در امورات راجعه بر هر یکی از دو فرقه و چنانکه مخالفت علماء اعلام حرام است در احکام مذکوره همچنین ضدیت هیئت دولت جایز نیست در امورات راجعه برایشان و مخالفت هر یکی باعث ضعف مذهب و ملت و اضمحلال دولت و رفتن آسایش و آسودگی از مملکت است و چنانکه اطاعت به علماء کرام سبب ترقی مذهب اسلام است در احکام مذهبی همچنین انقیاد باو امر امراء هیئت دولت باعث ترقیات دولتی است بدون فرق در مقامین و من غیر تفاوت در بین هر کسی را بهر کاری ساخته اند .

حرره الاحقر الارومی عرب باغی در دوازدهم شهر جمادی الثانیه فی

سنه ۱۳۴۳

این مسئله هشتم در اقتصادیات مملکت است استادان و دکترا اقتصاد را ارشاد و بیدار نموده که طریق اقتصاد مملکت چطور است خوانندگان گرامی از بیان عبارات تعجب آور مؤلف ره ملتفت خواهند شد .